

وقتی آتش عشق الهی بر جان انسان مستولی گردد، دیگر آن فرد نمی‌تواند خداوند بزرگ را فراموش کند. امام خمینی (رحمه‌ا... تعالی) در کتاب «آداب نماز» می‌فرماید دل انسان مانند کودکی است که می‌خواهد گفتن بیاموزد. باید اذکار را تا جایی تکرار کرد که زبان دل باز و گویا شود و وقتی که زبان قلب به یاد حق گویا شد، دیگر این شما هستید که باید دنبال او باشید. در چنین حالی فرد در همه حال با خدا و یاد او مأنوس خواهد بود. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> در روایتی می‌فرمایند: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: إِذَا كَانَ الْعَالِيَةُ عَلَى الْعَبْدِ الْإِسْتِغْثَالَ يَبِي، جَعَلْتُ بُعَيْتَهُ وَلَذَّتْهُ فَي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ بُعَيْتَهُ وَلَذَّتْهُ فَي ذِكْرِي عَشِقْنِي وَ عَشِقْتُهُ، فَإِذَا عَشِقْنِي وَ عَشِقْتُهُ فَعُتُّ الْبِحِبَابِ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَتَهُ، وَصَيَّرْتُ ذَلِكَ تَعَالِيًا عَلَيْهِ، لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ، أَوْلَيْكَ كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَنْبِيَاءِ، أَوْلَيْكَ الْإِطْطَالُ حَقًّا» «خداوند عزوجل می‌فرماید: هرگاه یاد من بر بنده‌ام غالب شود، خواهش و خوشی او را در یاد خود قرار دهم، و چون خواهش و خوشی او را در یاد خود قرار دهم، عاشق من شود و من نیز عاشق او گردم و چون عاشق یکدیگر شدیم، حجاب میان خود و او را بردارم و عشق خود را بر جان او چیره گردانم؛ چندان‌که مانند دیگر مردم دچار سهو و غفلت نمی‌شود. سخن اینان، سخن پیامبران است. اینان قهرمان واقعی هستند، نکته اول در این روایت مربوط به «الاستیغالی پی» است. چطور وی انسان می‌تواند به خداوند اشتغال پیدا کند؟ و نکته بعدی مربوط به «لایسهُو إِذا سَهَا النَّاش» است که خداوند متعال می‌فرماید وقتی بنده من به این مقام رسید، سهو نمی‌کند؛ مثل همه افرادی که سهو می‌کنند و گاهی غافل هستند. این حدیث می‌فرماید مردم خدا را سهو می‌کنند و از او غافل می‌شوند. اما بنده‌ای که به خدا اشتغال دارد، خدا را سهو نمی‌کند. سهو در یکی از منابع به معنای غافل شدن از خداوند متعال است که در آن دل انسان به سمت غیر خدا تمایل پیدا می‌کند. حضرت علی<sup>(ع)</sup> در مناجاتی شگفت به درگاه خداوند متعال عرضه می‌دارند که خدایا، من عزمم را در غفلت از توفانی کردم و دل من به سوی غیر تو تمایل پیدا کرد. سؤال این است که چرا مردم خدا را سهو می‌کنند و به غیر خدا تمایل می‌شوند؟ در پاسخ باید گفت در آیات ۸۲ و ۸۳ سوره صاد آمده است: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَا تُؤْمِنُ بِهِمْ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» شیطان هنگام ترک درگاه الهی به عزت خداوند قسم خورده که فرزندان آدم را اغوا می‌کند و حرام و نافرمانی خداوند را زینت می‌دهد. وقتی بنا شد زیبایی حرام چشم انسان را بر کند و منفعت حرام دل انسان را وابسته نماید، او دچار غفلت از خداوند می‌شود و به غیر خدا وابسته می‌گردد. هیچ‌کسی نیست که بگوید من از یاد خدا غافل نمی‌شوم و همه افراد در معرض این لغزش قرار دارند. اشتغال به یاد خداوند متعال عاملی است که می‌تواند جلوسه‌وار خدا را بگیرد. درواقع اگر دل مشغولی انسان یاد خدا باشد، انسان اشتغال به خدا پیدا می‌کند و اگر انسان به دنبال جذب رضایت خداوند متعال باشد، از حرام‌های الهی دوری می‌کند. پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> مظاهر خداوند متعال هستند. یکی از راه‌های دل مشغولی به خداوند متعال وابستگی به محبت و تمسک به اهل بیت<sup>(ع)</sup> است و تمام آنچه درباره تمسک و توسل به اهل بیت<sup>(ع)</sup> گفته شده است، درواقع می‌خواهد ما را در مسیر خداوند سیر بدهد و به خدا پرستی و توحید نزدیک‌تر کند. در زیارت جامعه کبیره خطاب به اهل بیت<sup>(ع)</sup> می‌گوییم: «مَنْ أَرَادَ اللَّهُ يَدَا يَكُمُ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبِيلَ عَنَّاكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُم» «کسی که خدا را بخواهد، به شما آغاز می‌کند.» یعنی کسی که به وجود خدا ایمان پیدا کرد و می‌خواهد این معرفت را ارتقا بخشد و این راه را طی کند، از شما شروع می‌کند. امام سجاد<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند حجت خدا کسی است که بین او و خدا حجابی نباشد. واسطه‌ای بین خدا و حجت خدا نیست و حجت خدا واسطه بین مردم و خداست. و این‌گونه اهل بیت<sup>(ع)</sup> زمینه اشتغال به خدا را فراهم می‌کنند. بنابراین باید گفت تنها راه‌هایی از غفلت و سهو، اشتغال دائم به یاد خداست. این اشتغال نه تنها انسان را از تعلقات دنیوی رها می‌کند، بلکه قلب او را به عشقی الهی پیوند می‌زند که در برتو آن، هیچ گمراهی و وسوسه‌ای توان جدایی او از پروردگار را نخواهد داشت. در گام بعدی تمسک به محبت اهل بیت<sup>(ع)</sup> که مظهر تجلی‌های الهی هستند، راهی مطمئن برای رسیدن به این مقام است. زیرا آنان کشتی نجات و راهنمایان راستین به سوی خداوند هستند و فقط با پناه بردن به سایه ولایت آنان و پرهیز از زینت‌های فریبنده شیطانی می‌توان از غفلت رهایی یافت و به این مقام رسید که در روایت پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> بیان شد: همان مقامی که انسان را در زمره ابرار و اولیای الهی قرار می‌دهد.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

#### اشارت

### وابستگی معاش و معاد

طیبه اشرفی| مسائل اقتصادی در آموزه‌های دینی بسیار مهم است؛ چنان‌که در حدیث است: «اگر معاش مشکل داشته باشد، باور به معاد هم در انسان خدشه‌دار می‌شود». شرایط اقتصادی و تأمین نیازهای مادی انسان در اسلام اهمیت دارد و در این دین به دنیا و آخرت درکنار هم توجه شده است، نه مثل تفکر مسیحیت که بر انزوا و گوشه‌نشینی تأکید می‌کند و نه مثل یهود که یکسره زندگی را به مال اندوزی منحصر می‌داند.

##### سرمایه پایان‌ناپذیر

در فرهنگ اسلامی درکنار سفاارش به تلاش برای تأمین معیشت و توصیه به دوری از حرام‌خواری و حرص و طمع، بر قناعت نیز تأکید بسیار شده است؛ چنان‌که امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «قناعت سرمایه‌ای پایان‌ناپذیر است». لذا انسان درکنار تلاش برای معیشت و کسب درآمد، باید روحیه قناعت هم داشته باشد و از عواملی که باعث دنیاپرستی و تجمل‌طلبی و رفاه‌زدگی می‌شود، دوری کند؛ البته مسئولان هم باید در رفع ناترازی‌های مالی تدبیر کنند و اغتیا نیز حقی از محرومان را که در مال آن هاست، بپردازند تا نابرابری‌های اقتصادی کم‌رنگ شود. به فرموده امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>، «هیچ جا ثروتی انباشته نشده است، مگر آنکه پشت آن حقوق ضایع شده‌ای وجود دارد». ایشان همچنین می‌فرمایند: «با کردار نیک خود، بدکردار را اصلاح کن و با گفتار خوش و زیباییت، به خیر و خوبی راهنمایی کن». (غررالْحکَم، ۲۳۰۴)

و نیز می‌فرمایند: «پاداش نعمتی را که به تو داده شده است، نیکی کردن به کسی قرار ده که در حق تو بدی کرده است». (غررالْحکَم، ۲۴۶۸)

نقل است که از امام صادق<sup>(ع)</sup> شنیدم: «هرگاه مؤمن کاری را نیکو انجام دهد، خداوند هرکار نیک او را هفتصد برابر گرداند». عرض کردم: نیکوکاری چیست؟ فرمودند: «[نیکوکاری این است که] چون نماز گزاری، رکوع و سجودت را نیکو به جای آور و هرگاه روزه گرفتی، از هر آنچه روزه را تباه و باطل می‌کند، دوری کن. و هرکاری که برای خدا می‌کنی، باید از آلودگی پاک باشد».

(المحاسِن، ۱/۳۹۶/۸۸۷)

روایات، نیکی کردن را در گام اول، نیکی انسان در حق خود می‌دانند. امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «تو اگر نیکی کنی، خودت را گرامی داشته‌ای و به خودت نیکی کرده‌ای، اگر بدی کنی، خودت را خوار کرده‌ای و به خودت زیان رسانده‌ای».

(غررالْحکَم، ۳۸۰۸، ۳۸۰۹)



# در مسیر تعالی و بندگی باش

#### گزارش

حمیده ذاکری| درست است که مسیر بندگی خداوند زن و مرد ندارد ولی قرآن به‌عنوان کتاب الهی ما زمانی که می‌خواهد از انسان‌های برجسته که در مسیر بندگی و تعالی حرکت کرده‌اند، نمونه‌ای ذکر کند. از بین زنان این نمونه‌های والا را برمی‌گزیند: «و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است» (تحریم: ۱۱). این بیان مبارک نشان‌دهنده این است که زنان نه تنها می‌توانند درجات معنوی را طی کنند، بلکه به‌عنوان الگو نیز برای زنان و مردان در این مسیر مطرح هستند؛ مسیری که مانند کهکشان‌ی روشن دارای ستاره‌های درخشانی مانند حضرت زهرا<sup>(ص)</sup>، حضرت زینب<sup>(ص)</sup> و حضرت فاطمه معصومه<sup>(ص)</sup> است، بانوانی که هرکدام یا در مسیر معنویت و بندگی گذاشته و به مدارج بالا رسیده‌اند، الگوهایی که برای زنان مسلمان حجت را تمام کرده و راه را به سمت معنویت گشوده‌اند. در ادامه برخی از توصیه‌های معنوی به زنان را با هم مرور می‌کنیم.

##### دغدغه رشد معنوی

مرحله نخست برای رشد معنوی و طی طریق در مسیر بندگی، خواست خود ماست. اینکه برای رشد و تعالی خود وقت بگذاریم و برنامه‌ریزی کنیم و یک اولویت قرار بدهیم و براساس توانایی‌ها، استعدادها و موقعیتمان برایش زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی کنیم. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند: «فکر رشد زنان از لحاظ معنوی و اخلاقی، بایستی یک فکر رایج در میان خود زنان باشد. خود بانوان باید بیشتر به این مسئله بیندیشند. خود آن‌ها به معارف، به معلومات، به مطالعه و به مسائل اساسی زندگی رو کنند... این مسئله که زن به سمت معرفت، علم، مطالعه، آگاهی، کسب معلومات و معارف حرکت کند، باید در میان خود بانوان خیلی جدی گرفته شود و به آن اهمیت بدهند». ۱۳۷۶/۰۷/۳۰

##### برابری زن و مرد در مسیر رشد

در گام بعدی باید بدانیم همان‌طور که در آیات قرآن کریم آمده است، در راه رشد معنوی هیچ تفاوتی بین زن و مرد نیست. در آیه شریفه قرآن می‌خوانیم: «هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد، ما او را به زندگانی خوش و باسعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند، به آنان عطا می‌کنیم.» (نعل، ۹۷) آیه ۲۵ سوره احزاب نیز شاهدهی دیگر بر این مدعاست؛ آیه‌ای که به اوصاف بین زن و مرد برای رشد و تعالی اشاره کرده است. رهبر معظم انقلاب در سخنانی با اشاره به این آیه مبارک می‌فرمایند: «... در حرکت معنوی به سمت خدا، به سمت حیات طیبه، به سمت تعالی انسانی در عوالم ملکوت و عوالم معنوی روحانی توحیدی بالا هیچ تفاوتی (بین زن و مرد) وجود ندارد.» ۱۳۴۳/۰۹/۲۷



##### زنان قرآنی الگویی مناسب

مرحله بعدی برای ورود به سیر و سلوک معنوی، انتخاب الگوست. همان‌طور که در ابتدای مطلب اشاره کردیم، قرآن کریم در این زمینه برای همه مردم به‌ویژه زنان، الگوهایی را معرفی کرده است. حضرت مریم<sup>(ص)</sup> یکی از این بانوان است که قرآن کریم به شرح عبادات و جایگاه معنوی ایشان پرداخته است. حضرت مریم<sup>(ص)</sup> محل مخصوص برای عبادت داشته‌اند و ساعات بسیاری در این محل مشغول عبادت بوده‌اند. «هر زمان که زکریا در محراب [عبادت] بر او وارد می‌شد، رزق ویزه‌ای نزدش می‌یافت. [روزی در کمال شگفتی] گفت: ای مریم! این رزق ویژه برای تو از کجاست؟! گفت: از سوی خداست. یقینا خدا هر کس را بخواهد، رزق بی حساب می‌دهد.» (آل عمران، ۳۷) این آیه هم بیانگر جایگاه معنوی حضرت مریم<sup>(ص)</sup> است و هم به ما می‌آموزد که برای رشد معنوی خود، هم جایگاه و هم زمانی معین برای عبادت تعیین کنیم.

##### عبادت راهی نیکو در مسیر بندگی

یکی از اعمال دیگری که برای رشد معنوی به ما کمک می‌کند، تلاوت قرآن و خواندن نماز است. حضرت زهرا<sup>(ص)</sup> در هر دو عمل عبادی الگویی نیکو برای زنان هستند. ایشان به تلاوت قرآن بسیار علاقه‌مند بودند و درباره نماز هم پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> در مورد دخترشان این‌گونه می‌فرمایند، ایمان به خدا در اعماق دل و روح حضرت فاطمه<sup>(ص)</sup> چنان نفوذ کرده است که برای عبادت خود را از هر چیزی فارغ می‌کند... آن‌گاه که در محراب به عبادت می‌ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان درخشندگی دارد و خداوند متعال به ملائکه خطاب می‌کند: بنده مرا ببینید! چگونه مقابل من به نماز ایستاده، درحالی که اعضای بدنش می‌لرزد و غرق در بندگی است! ای ملائکه، گواه باشید که پیروان فاطمه<sup>(ص)</sup> را از عذاب دوزخ در امان قرار دادیم. (بحارالانوار ج ۴۳، ص ۲۳)

##### شرکت در اعمال عبادی

حضور در اعمال عبادی جمعی فرصت دیگری برای رشد و تعالی است. حضور در حج یکی از این اعمال است؛ فریضه‌ای که همسران پیغمبر اکرم<sup>(ص)</sup> نیز در آن شرکت کرده‌اند. همچنین پیامبر اسلام<sup>(ص)</sup> این عمل عبادی را جایگزینی برای جهاد در راه خدا می‌دانستند. در این باره در روایتی آمده است که شماری از زنان تمایل داشتند در غزوات شرکت کنند تا به ثواب جهاد در راه خدا دست یابند. رسول خدا<sup>(ص)</sup> در پاسخ به آنان که امکان و توانایی حضور در جبهه‌ها و کمک به مجاهدان را نداشتند، فرمودند: «الحج جهاد الضعیف» (فروع کافی، ج ۴، ص ۲۵۲) و به این ترتیب ثواب زنان در حج را همانند ثواب مجاهدان دانستند. این روایت راهنمایی برای خانم‌هاست که این عمل عبادی را در برنامه‌های معنوی خود قرار دهند و از این فرصت هم برای بهره‌برداری معنوی و هم ثواب اخروی استفاده کنند.

##### سبقت نیکی و مهربانی در زنان

خوب است بدانیم که رشد معنوی فقط وابسته به نیایش و اعمال عبادی نیست. دیگر عملی که در مسیر رشد معنوی به ما کمک می‌کند، نیکی به دیگران است. همان‌طور که می‌دانید، حضرت زهرا<sup>(ص)</sup> به‌عنوان الگویی در این زمینه مشهور هستند. ایشان با اهدای پیراهن عروسی خود و همچنین غذای خود به نیازمندان، به خوبی برای زنان در این راه نشانه‌گذاری کرده‌اند. همچنین در روایات آمده است که رسول خدا<sup>(ص)</sup> روز عید فطر یا قربان پس از اقامه نماز رو به مردم کردند و درحالی‌که نمازگزاران هنوز در مصلی نشسته بودند، فرمودند: «تصدقوا، تصدقوا». پس از آن، زنان در صدقه‌دادن بر مردان پیشی گرفتند و پیش از مردان صدقه دادند. (صحیح البغاری، ج ۲، ص ۲۰۲، ص ۱۱۰، ج ۹۸۰) برخی زنان هم فعالیت اقتصادی داشتند و درآمد خود را صدقه می‌دادند.

##### روشنا

صبر، ضامن پیروزی است.
تصنیف غررالْحکَم، صفحه ۷۸۲، حدیث ۶۳۱۲

##### فصل فرنی موسی ۱۵

وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، (اعراف ۱۵۰). پس موسی خودش و هارون برادرش را دعا کرد و از خدا برای خودشان رحمت خواست، «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَآتَ أَخَاهُ الرَّاحِمِينَ» (اعراف ۱۵۱).

و بعد شروع کرد به بیم‌دادن مردم که هرکسی گوساله پرست شد، دچار خشم خدا می‌شود و در دنیا ذلیل می‌گردد: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سِتْنًا لَهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ، (اعراف ۱۵۲)، وقتی خشم موسی فرونشست، الواح را بین مردم برد و از رحمت خدا گفت که اگر کسی خدا ترس باشد، مورد رحمت او قرار می‌گیرد: «وَلَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاخَ وَ فِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِزِبْطِهِمْ يَرْهَبُونَ» (اعراف ۱۵۳).

## آزمونی که قوم موسی<sup>(ع)</sup> را مردود کرد

مهلکه‌ها نجاتشان داد؟ آن‌ها نمی‌دیدند که با آنان سخن نمی‌گوید؟ نمی‌دیدند به راه هدایتشان نمی‌کند؟ آن را خدای خود انتخاب کردند و ظلم کردند. «وَإِذْ أَخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ تَحْتِهِمْ عَهْدًا جَسَدًا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِي وَلَا يُهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوا وَقَاتُلُوا ظَالِمِينَ، (اعراف ۱۴۸). به اصطلاح امروزی، کارد می‌زدی، خونش درنمی‌آمد، هم عصبانی بود و هم دل‌گیر و پیر از اندوه... به آن‌ها گفت: «بعد از من چه جانشینان بدی بودی؟! لوح‌هایی را